

## زبان و شناخت



# زبان و شناخت

تأليف

الكساندر ر. لوريا

ترجمة

دكتور حبيب الله قاسم زاده

گروه روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
( بیمارستان روزبه )



<p>سرشناسه: لوریا، الکساندر رومانوویچ، Luria, Alexander Romanovich م. ۱۹۷۷-۱۹۰۲ عنوان و نام پدیدآور: زبان و شناخت / الکساندر ر. لوریا؛ مترجم: حبیب‌الله قاسم‌زاده مشخصات نشر: تهران: کتاب ارجمند، ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص، رقعی شابک: ۱-۹۲-۵۶۸۹-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا عنوان اصلی: 1981, <i>Lazky i soznanie</i> یادداشت: کتاب حاضر از ترجمه انگلیسی با عنوان <i>Language and cognition</i> به فارسی ترجمه شده است. موضوع: زبان -- روان‌شناسی، شناخت (روان‌شناسی)، روان‌شناسی عصبی شناسه افزوده: قاسم‌زاده، حبیب‌الله، ۱۳۲۳ - مترجم. رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹: ۲/۹/۴۵۵/BF رده‌بندی دیویی: ۱۵۳/۶ شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۲۳۲۰۰</p>	<p>الکساندر ر. لوریا <b>زبان و شناخت</b> ترجمه: دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده فروست: ۸ ناشر: کتاب ارجمند صفحه‌آرا: محمد بهمنی طراح جلد: احسان ارجمند چاپ: سامان، صحافی: روشنگر چاپ سوم، دی‌ماه ۱۳۹۱، ۱۱۰۰ نسخه شابک: ۱-۹۲-۵۶۸۹-۶۰۰-۹۷۸  www.arjmandpub.com  این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.</p>
---	---

**مرکز پخش: انتشارات ارجمند**

دفتر مرکزی: تهران بلوار کشاورز، بین خیابان کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲، تلفن ۸۸۹۸۲۰۴۰  
شعبه اصفهان: دروازه شیراز، خیابان چهارباغ بالا، پاساژ هزارجریب تلفن ۶۲۸۱۵۷۴-۰۳۱۱  
شعبه مشهد: اول احمدآباد، پاساژ امیر، طبقه همکف تلفن ۸۴۴۱۰۱۶-۰۵۱۱  
شعبه بابل: خیابان گنج‌افروز، پاساژ گنج‌افروز تلفن ۲۲۲۷۷۶۴-۰۱۱۱  
شعبه رشت: خیابان نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی تلفن ۳۲۳۲۸۷۶-۰۱۳۱  
شعبه ساری: بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن ۹۱۱۸۰۲۰۰۹۰

**بها: ۱۴۰۰۰ تومان**

## فهرست مطالب



یادداشت مترجم بر چاپ دوم .....	۱۱
یادداشت مترجم بر چاپ اول .....	۱۷
مقدمه مترجم انگلیسی .....	۲۹
فصل ۱. مسئله زبان و آگاهی .....	۵۱
فصل ۲. کلمه و ساختار معنایی آن .....	۷۰
منشأ کلمه: از ساختار عمل - وابسته تا ساختار معنی - وابسته .....	۷۰
ساختار و کارکرد معنایی کلمه .....	۷۴
کلمه و حوزه معنایی آن .....	۷۶
معنای مقوله‌ای کلمات .....	۷۸
کارکردهای واژگانی و ظرفیت کلمه .....	۸۱
خلاصه .....	۸۳
فصل ۳. تکامل معنای کلمه در جریان تکوین فردی .....	۸۴
معنی و مضمون .....	۸۵
کارکرد ارجاعی در تکوین فردی .....	۸۷
رشد معنای کلمه .....	۹۳
فصل ۴. بررسی رشد مفهوم .....	۹۸
روش تعریف مفهوم .....	۹۸
روش مقایسه و تفکیک .....	۱۰۱
روش طبقه‌بندی .....	۱۰۵
روش تشکیل مفاهیم ساختگی .....	۱۱۲
ترکیب واژگانی زبان و درک آگاهانه آن .....	۱۱۶

۱۲۰	فصل ۵، بررسی عینی حوزه‌های معنایی
۱۲۰	کاربرد روش‌های هم‌خوانی در ارزیابی حوزه‌های معنایی
۱۲۲	استفاده از مقیاس‌ها در سنجش حوزه‌های معنایی
۱۲۲	توصیف (مشخصات) حوزه‌های معنایی
۱۲۶	روش‌های عینی در بررسی هم‌خوانی‌های چندبُعدی
۱۳۶	یادآوری و تجزیه و تحلیل روان‌شناختی نام‌گذاری
۱۴۰	خلاصه

#### فصل ۶، رشد و تکامل نقش‌گفتار در فرایندهای ذهنی: کارکرد نظم‌بخشی‌گفتار

۱۴۲	ورشد آن
۱۴۳	مسئله عمل ارادی
۱۴۶	تأثیر گفتار بزرگ‌سالان در کودکان: کارکرد نظم‌بخشی‌گفتار
۱۵۵	مبانی پسیکوفیزیولوژیک در کارکرد نظم‌بخشی‌گفتار

#### فصل ۷، گفتار درونی و سازمان نظم‌بخشی‌گفتار در قشر مخ

۱۶۳	شکل‌گیری و ساختار گفتار درونی
۱۶۴	سازمان نظم‌بخشی‌گفتار در قشر مخ

#### فصل ۸، ساختار نحوی و معنایی جمله

۱۷۷	مسئله واحدهای زبان
۱۷۹	مسائل روان‌شناختی جمله به مثابه واحدی از کلام
۱۸۴	تجزیه و تحلیل ساختاری جمله
۱۹۱	انتقادی بر تجزیه و تحلیل صوری - نحوی جمله و معنی‌شناسی زایشی

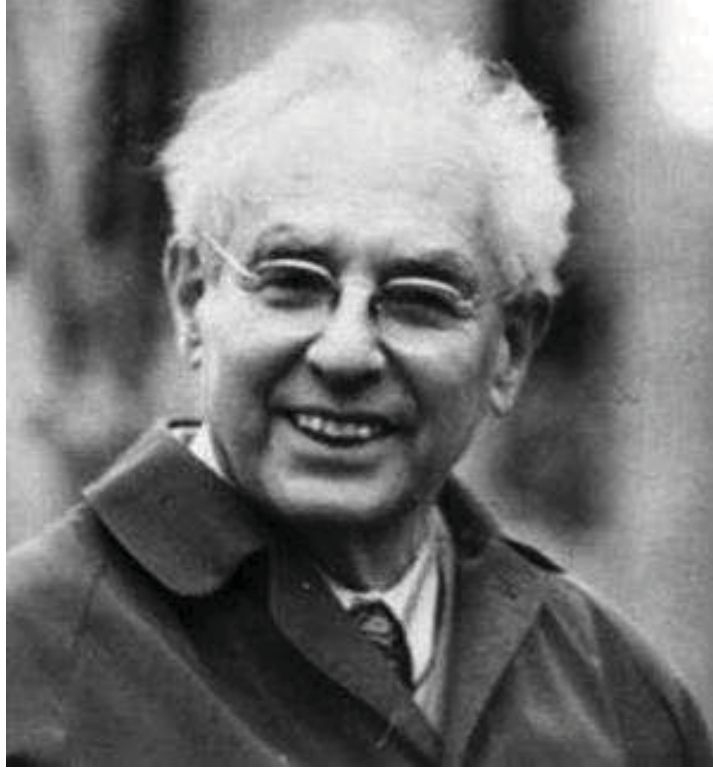
#### فصل ۹، اشکال پیچیده کلام: عناصر انتخابی در ساختارهای زنجیری

۱۹۵	مبانی نظری
۱۹۷	شیوه‌های اساسی در بیان روابط
۱۹۸	صرف
۲۰۴	کلمات کمکی
۲۰۷	ترتیب کلمات
۲۱۰	ساخت‌های تطبیقی
۲۱۱	ساختارهای پیچیده نحوی

۲۱۵	..... وارونه‌سازی معنایی
۲۱۷	..... نتیجه‌گیری
<b>۲۱۸</b>	<b>..... فصل ۱۰. تولید گفتار</b>
۲۱۸	..... انگیزه کلام
۲۲۲	..... طرح‌بندی کلام
۲۲۵	..... نمودار آغازین معنایی
۲۲۶	..... گفتار درونی
۲۲۸	..... فرایند تشکیل کلام بسط‌یافته
۲۳۱	..... رشد و تکوین بیان گفتاری در فرد
۲۳۳	..... خلاصه
<b>۲۳۴</b>	<b>..... فصل ۱۱. دو شکل اساسی در بیان گفتاری: زبان گفتاری و زبان نوشتاری</b>
۲۳۴	..... زبان گفتاری
۲۳۵	..... گفت‌وگوی دونفری
۲۳۷	..... تک‌گویی
۲۴۱	..... زبان نوشتاری
۲۴۵	..... ارتباط بین زبان نوشتاری و زبان گفتاری
<b>۲۴۷</b>	<b>..... فصل ۱۲. درک اجزای کلمه: کلمه و جمله</b>
۲۴۷	..... مسئله
۲۵۱	..... درک کلمه
۲۵۴	..... شرایط مؤثر در درک معنای کلمه
۲۵۷	..... درک جمله‌ها
<b>۲۶۷</b>	<b>..... فصل ۱۳. درک مضمون در پیام‌های پیچیده: متن و زیرمتن</b>
۲۶۸	..... درهم‌تنیدگی مضمون در جمله‌ها
۲۶۹	..... تشخیص «هسته‌های مضمونی» تجزیه از طریق ترکیب
۲۷۳	..... رویکرد احتمال‌گرایانه نسبت به درک پیام
۲۷۶	..... درک مضمون درونی (زیرمتن)
<b>۲۸۶</b>	<b>..... فصل ۱۴. زبان و تفکر کلامی - منطقی: فرآیند استنتاج</b>

فصل ۱۵. سازمان‌بندی تولیدگفتار در قشر و اختلال آن	۳۰۱
روش‌ها	۳۰۱
سازمان‌بندی زمینه‌انگیزی و برنامه‌ریزی تولیدگفتاری در قشر مخ	۳۰۷
سازمان‌بندی زنجیره‌ای تولیدگفتار در قشر مخ	۳۱۴
سازمان‌بندی ساختار انتخابی تولیدگفتار در قشر مخ	۳۲۲
نتیجه‌گیری	۳۲۷
فصل ۱۶. اختلال درک‌گفتار در قشر مخ	۳۲۹
اختلال درک در سطح واجی و واژگانی زبان	۳۲۹
اختلال درک در سطح روابط منطقی-دستوری	۳۳۳
درک ساختار زنجیره‌ای گفتار پیوسته	۳۳۸
درک مضمون (یا زیرمتن) گفتار	۳۴۰
نتیجه‌گیری	۳۴۴
منابع	۳۴۷
اصطلاحات انگلیسی به فارسی	۳۶۳
اصطلاحات فارسی به انگلیسی	۳۸۳
راهنمای اسامی	۳۸۷





الكساندر رومانوويچ لوريا  
(١٩٠٢-١٩٧٧)



## یادداشت مترجم بر چاپ دوم



شاید در جهان زیستی، فرایندی پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر از شناخت<sup>۱</sup> نباشد. با این همه، این فرایند، چنان بدیهی می‌نماید که معمولاً توجهی را بر نمی‌انگیزد. راستی شناخت چیست؟ چه گونه پدید می‌آید؟ سازوکار آن کدام است؟ اجزاء، سطوح یا مراحل دارد یا نه؟ وابسته به چه عوامل و شرایطی است؟ و اصولاً به چه کار می‌آید؟ وقتی شناخت، خود، موضوع شناخت قرار می‌گیرد، پیچیدگی مسئله، خود را بیش از پیش می‌نمایاند. شناخت را می‌توان به کسب «معرفت» و یا به یک مفهوم، کلیه «فعالیت‌های ذهنی» تعریف کرد. البته به نظر نمی‌رسد که این تعریف چندان کمکی به بررسی علمی و یا حتی منطقی موضوع بکند، چرا که خود معرفت یا فعالیت‌های ذهنی چیست؟ اما روان‌شناسان شناختی، به این توافق ضمنی رسیده‌اند که برای بررسی شناخت، باید فرایندها و سازوکارهایی مانند توجه، بازشناسی طرح<sup>۲</sup>، حافظه، سازمان‌بندی اطلاعات، زبان، استدلال و حل مسئله را از طریق روش‌های به دقت کنترل‌شده و مدل‌سازی‌های راه‌گشا مطالعه کرد. این توافق ضمنی را می‌توان نوعی تعریف به حساب آورد. ولی با ورود به این بحث‌ها معلوم می‌شود که محقق، خود، خواسته یا ناخواسته، آگاه یا ناآگاه، همراه با تحقیق خود، نوعی چارچوب مفهومی<sup>۳</sup> یا نظری، وارد زمینه تحقیق خود می‌کند. به عبارت دیگر، پژوهشگر با مجموعه فرض‌هایی درباره جهان، حرکت خود را آغاز می‌کند. این مجموعه فرض‌ها را معمولاً الگو<sup>۴</sup>های مسلط در عرصه تفکر و علم، در گروه‌های مختلفی از اندیشمندان و دانشمندان، پدید می‌آورند.

از سوی دیگر، وقتی شناخت، با هر تعریف و با هر رویکردی، موضوع بررسی قرار می‌گیرد، واقعیت دیگری نمایان می‌شود: این واقعیت که غیر از روان‌شناسی شناختی، رشته‌های دیگری نیز به نحوی با شناخت سروکار دارند - رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی، فلسفه، علم عصب‌پایه<sup>۵</sup>، هوش مصنوعی و انسان‌شناسی

1- Cognition

2- Pattern recognition

3- Conceptual framework

4- Paradigm

5- Neuroscience

شناختی<sup>۱</sup>. مجموعه این علوم، علم جدیدی را پدید آورده‌اند به نام «علم شناخت پایه<sup>۲</sup> یا شناخت پژوهی» که در طی عمر کوتاه خود - حداکثر ۳۰ سال - به پیشرفت‌های مهمی نایل آمده است. یکی از جنبه‌های بسیار جالب این علم، مدل‌سازی شناختی<sup>۳</sup> است که موضوع آن عموماً ارائه مدل‌هایی درباره بازنمایی<sup>۴</sup> معرفت است. فرض عمده در علم شناخت پایه آن است که «ذهن شناختی» یک افزار یا دستگاه بازنمایی است.<sup>۵</sup> درباره مشخصات این نوع بازنمایی و انواع آن، مدل‌های مختلفی عرضه شده است. از آن جمله می‌توان به مدل‌های گزاره‌ای<sup>۶</sup>، مدل‌های قیاسی<sup>۷</sup>، و مدل‌های روش‌مدار<sup>۸</sup> اشاره کرد.<sup>۹</sup> هر کدام از این مدل‌ها ویژگی‌هایی دارند و در هر یک از آن‌ها از سازوکارها و مفاهیم خاصی برای تبیین شناخت استفاده شده است.<sup>۱۰</sup>

اما آنچه لوریا در این کتاب ارائه داده است، تا حد زیادی، متفاوت از این نوع مدل‌سازی‌هاست. این مدل‌سازی‌ها عمدتاً ساختاری‌اند و در آن‌ها اغلب به تکوین فردی و نوعی و تحوّل شناخت چندان توجهی نمی‌شود. برعکس، مدلی که لوریا پیشنهاد می‌کند، پایه‌اش بر تحوّل و تکامل فردی و نوعی استوار است. به نظر او شناخت نیز مانند هر پدیده ذهنی یا روان‌شناختی در تغییر و تحوّل است و اگر این خصوصیت اساسی را از شناخت بگیریم، در درک ماهیت سازوکار آن دچار اشکال خواهیم شد. جهان کودک، تقریباً جهان ادراک‌های مستقیم و پدیده‌های ملموس است. به تدریج و در طی مراحل بسیار پیچیده‌ای است که کودک جهانی با واسطه، انتزاعی و تا حدی مستقل از پدیده‌های ملموس پیدا می‌کند. لوریا برای شناخت شناخت، از خود شناخت آغاز نمی‌کند، بلکه از فعالیت و ارتباط عملی کودک با محیط خود، و از زبان و گفتار - که نوعی فعالیت است - آغاز می‌کند. از طریق کلمه

1- Cognitive anthropology

2- Cognitive science

3- Cognitive modeling

4- Representation

5- Von Eckardt, B. *What is Cognitive Science?* Cambridge, Massachusetts: MIT Press, 1995.

6- Propositional

7- Analogical

8- Procedural

9- Rumelhart, D. E.; Norman, D. A. "Representation of Knowledge", in A.M. Aitkenhead & J.M. Slack, (Eds.), *Issues in Cognitive Modeling* Hove (UK): Lawrence Erlbaum, 1985.

۱۰- برای مطالعه بیشتر تر مراجعه شود به مراجع زیر:

- Aitkenhead, A.M. & Slack, J.M. (Eds.). *Issues in Cognitive Modeling* Hove (UK): Lawrence Erlbaum, 1985.

- Posner, M.I. (Ed.) *Foundations of Cognitive Science*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press, 1989.

است که کودک اشیای پیرامون خود را نام‌گذاری می‌کند و بدان وسیله است که آن‌ها را طبقه‌بندی می‌کند و شاید مهم‌تر از آن، از این طریق است که به روابط بین آن‌ها پی می‌برد. روابطی که هنوز مورد تجربه مستقیم او قرار نگرفته‌اند. در عین حال، لوریا نشان می‌دهد که معنای کلمه در جریان رشد کودک تغییر می‌کند و چون جنبه‌های مهمی از شناخت (و آگاهی) براساس معانی شکل می‌گیرند، بنابراین باید بپذیریم که شناخت (و آگاهی) کودک نیز در جریان رشد، تغییر می‌کند. این شاید مهم‌ترین پیام این کتاب باشد.

نگرش لوریا به ارتباط زبان و شناخت، نگرشی روان‌شناختی، یا به عبارت دقیق‌تر، نوروپسیکولوژیک (روان‌شناختی عصب‌پایه‌ای) است. روان‌شناسی عصب‌پایه<sup>۱</sup>، دانشی است برخاسته از آمیزش عصب‌شناسی و روان‌شناسی. در درجه اول، می‌توان لوریا را بنیان‌گذار این علم دانست<sup>۲</sup>، اگرچه مقدمات نظری تجربی و بالینی آن را باید در افکار دانشمندانی چون بروکا<sup>۳</sup>، ورنیکه<sup>۴</sup>، جکسون<sup>۵</sup>، سیچنوف<sup>۶</sup>، پاولوف<sup>۷</sup> و لاشلی<sup>۸</sup> جست‌وجو کرد و روان‌شناسانی مانند هب<sup>۹</sup> را از متقدمان این رشته در غرب دانست. در نگرش نوروپسیکولوژیک، سعی می‌شود که ارتباط سازمان‌بندی قشر مخ با فعالیت‌های عالی ذهنی و چگونگی ایجاد اختلال در آن‌ها، مورد بررسی قرار گیرد. در فصل‌هایی از کتاب، اختصاصاً به مسئله سازمان‌بندی زبان در قشر مخ پرداخته شده است. اما بیش‌تر فصل‌های کتاب را روان‌شناسی زبان<sup>۱۰</sup> تشکیل داده است. البته در همه موارد، نگرش تحوولی و نوروپسیکولوژیک جنبه مسلطی دارد.

چارچوبی که لوریا برای طرح مسئله شناخت و ارتباط آن با زبان برمی‌گزیند، چارچوب فرهنگی-تاریخی<sup>۱۱</sup> است که پایه‌گذار آن را باید ویگوتسکی<sup>۱۲</sup> دانست. ویگوتسکی معتقد بود که رشد روانی در انسان، جزئی از رشد کل تاریخی بشر است و باید در متن این جریان درک شود. پذیرش این گزاره بدان معنی است که باید

1- Neuropsychology

۲- لوریا، ار. تکوین ذهن. ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. فصل‌های ۸، ۷، ۹.

3- Broca

4- Wernike

5- Jackson

6- Sechenov

7- Pavlov

8- Lashley

9- Hebb

10- Psycholinguistics

11- Cultural-historical

12- Vygotsky

در آزمایش‌ها و تبیین‌های روان‌شناختی، روش‌شناسی<sup>۱</sup> جدیدی، وضع شود. در واقع انسان، خود، طبیعت جدیدی می‌آفریند: یعنی جهانی که عمدتاً از طریق زبان، وساطت می‌شود. نقش زبان در این آفرینش، صرفاً نمادسازی و یا تسهیل در بازنمایی نیست، بلکه تفکر و کلاً شناخت را نیز کلامی می‌کند. در نتیجه، فرایندهای ذهنی کودک، پس از شکل‌گیری زبان، خصوصیت‌های نوظهوری پیدا می‌کنند و تابع قانون‌مندی‌های تازه‌ای می‌شوند. به عنوان مثال، کودک با استفاده از معنای کلمات و مفهوم‌سازی، مطالب را به نحو جدیدی طبقه‌بندی و یادسپاری می‌کند، و یا در بازیابی آن‌ها از اشارات و قراین جدیدی سود می‌جوید. لوریا در فصل‌های مختلف این کتاب، سازوکار و رشد و تکامل این‌گونه روابط بین زبان و فرایندهای عالی ذهنی را توضیح داده است.

ارائه مثال‌های فراوان بالینی، چه در زمینه کودکان و بزرگسالان بهنجار و چه در زمینه بیماران دارای ضایعه مغزی، کشش فراوانی به کتاب داده است. افزون بر آن، شیوه نگارش لوریا بر جذابیت متن افزوده است. کتاب نه «خشکی» و دشوارفهمی کتاب‌های تخصصی را دارد و نه «لختی» و آسان‌گیری کتاب‌های عامه‌پسند را. سبک و سیاق خاص خود را داراست. سرشار از نکات ظریف و آزمون‌پذیر برای فرضیه‌آزمایی و کارهای بالینی است.

با معیارهای امروزی، می‌توان لوریا را یک نوروپسیکولوژیست شناختی<sup>۲</sup> دانست. در همه آثار او این گرایش، یعنی سعی در ایجاد ارتباط بین کارکرد سازمان‌یافته مغز و فعالیت‌های شناختی، به چشم می‌خورد. اگرچه کتاب‌های معتبری از او به فارسی ترجمه شده است، اما هنوز جای خالی ترجمه برخی از آثار او به خوبی احساس می‌شود: کتاب‌هایی مانند کارکردهای عالی قشر مخ در انسان<sup>۳</sup>، مسائل اساسی در زبان‌شناسی عصب پایه<sup>۴</sup>، نوروپسیکولوژی حافظه<sup>۵</sup>، ماهیت تعارض در انسان<sup>۶</sup>، و مبانی فرهنگی و اجتماعی رشد شناختی<sup>۷</sup>.

## توضیح چند نکته

۱. اصطلاح Zone of proximal development (ZPD)، که در چاپ قبلی «دامنه

1- Methodology

2- Cognitive neuropsychologist

3- *Higher Cortical Functions in Man* (1980)

4- *Basic Problems of Neurolinguistics* (1976)

5- *Neuropsychology of Memory* (1976)

6- *The Nature of Human Conflicts* (1960)

7- *Cognitive Development: Its Cultural and Social Foundations* (1976)

(این کتاب تحت عنوان «رشد و تحول شناختی: مبانی فرهنگی و اجتماعی شناخت» از سوی انتشارات کتاب ارجمند به چاپ رسیده است.)

رشد تقریبی» ترجمه شده بود (به عنوان مثال ← ص ۱۲۰) از ویگوتسکی است و منظور از آن، تفاوت بین رشد موجود و «واقعی» کودک و رشد حاصل از کمک افراد دیگر به کودک (یعنی رشد «بالقوه» او) است. ویگوتسکی «تفاوت بین فعالیت‌های عقلانی موجود کودک و سطح توانایی او در حل مسائل به کمک دیگران» را ZPD می‌نامد.<sup>۱</sup> این اصطلاح را به «منطقه رشد مجاورتی» نیز ترجمه کرده‌اند، اما معنای دقیق آن «منطقه یا دامنه رشد قابل دسترسی» است. در این باره تحقیق مفصل و جالبی به وسیله آقای سید علی محمد موسوی به عنوان رساله دوره دکتری روان‌شناسی (دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶) صورت گرفته است.

۲. در صفحاتی از کتاب (مثلاً ← ص ۲۰)، «شوروی» آمده که می‌توان آن را در مواردی «روسیه» و یا کلاً «شوروی سابق» خواند.

۳. در این کتاب در برابر اصطلاح Mediation معادل «واسطه‌گری» و در برابر اصطلاح Mediated behavior (مثلاً ← ص ۶۴) معادل «رفتار با واسطه» قرار داده شده است، که می‌توان به ترتیب معادل‌های «واسطه‌مندی» و «رفتار واسطه‌مند» را جای‌گزین آن‌ها کرد.

حبیب‌الله قاسم‌زاده

تهران، بهار ۱۳۷۶

---

۱- ویگوتسکی، ل.س. اندیشه و زبان. ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده. تهران: انتشارات فرهنگان، ۱۳۷۱، ص ۱۴۴.





## یادداشت مترجم



لوریا در سال ۱۹۰۲ در غازان - شهری در کنار رود وُلگا و حدود هزار کیلومتری شرق مسکو - چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۲۱ از دانشگاه غازان فارغ‌التحصیل شد. پدر لوریا<sup>۱</sup> پزشک بود و انتظار داشت که فرزندش نیز راه پدر را در پیش گیرد. اما در «موقعیت آشفته» پس از سال‌های ۱۹۱۷، توجه لوریا در وهله اول به نقش انسان در شکل دادن به جامعه و در نتیجه به روان‌شناسی معطوف شد. او در هر حال، پزشکی را هم به طور ناپیوسته دنبال کرد. لوریا هم درجه دکترای پزشکی و هم درجه دکترای علوم در روان‌شناسی داشت.

لوریا خط‌مشی علمی خود را پس از انقلاب اکتبر آغاز کرد. او می‌نویسد: «این حادثه عظیم و بی‌نظیر، تأثیر شگرفی در زندگانی من و همه افرادی که می‌شناختم، به جای نهاد».

حدود سال‌های پس از ۱۹۲۰ بود که لوریا به دعوت کورنیلوف (Kornilov) از دانشگاه غازان، ره‌سپار «مؤسسه روان‌شناسی مسکو» شد. او در آن ایام می‌خواست روان‌شناسی را به نحوی با مسائل روزمره زندگی پیوند دهد و در عین حال، از روش‌های علمی و عینی سود جوید. حاصل این دوره از فعالیت‌های وی در کتاب «ماهیت کشمکش‌های روانی در انسان» - که ترجمه انگلیسی آن به سال ۱۹۳۲ چاپ و منتشر شد - به تفصیل شرح داده شده است. این دوره از زندگی علمی لوریا را می‌توان متأثر از آثار فروید و یونگ دانست. او روان‌کاوی را به عنوان پلی که می‌تواند رفتارهای عینی و واقعی «Idiographic» را با هدف‌های «Nomothetic» علوم تجربی پیوند دهد، پذیرفته بود. اما شیوه برخورد وی با کشمکش‌های درونی کاملاً متفاوت بود. مثلاً در یکی از این نوع تحقیق‌ها از آزمودنی می‌خواست به دنبال دریافت علامتی از سوی آزماینده، پاسخی ارادی از خود نشان دهد (با فشار دادن توپ لاستیکی که در دست آزمودنی قرار داشت). آنگاه از محرک‌های کلامی استفاده می‌شد و از آزمودنی خواسته می‌شد در عین حال که به فشار دادن توپ

۱- پدر لوریا پزشک متخصص داخلی بود و در دانشکده پزشکی غازان تدریس می‌کرد. او در سال‌های پس از انقلاب، نقش مهمی در توسعه پزشکی شوروی ایفا نمود.

لاستیکی ادامه می‌دهد، به تداعی آزاد بپردازد. آنچه مورد توجه لوریا بود زمان تأخیر و محتوای پاسخ کلامی بود. هم‌چنین هدف مهم لوریا این بود که تأثیر هیجانی ناشی از محرک کلامی را در جریان رفتار ارادی بیازماید. در بخشی از این آزمایش‌ها، آزماینده از آزمودنی می‌خواست که در مقابل یک محرک «عام» پاسخی «اختصاصی» ارائه دهد (مثلاً با شنیدن کلمه «خانه» بگوید «طاق»). آن‌گاه محرکی گفته می‌شد که در این الگو قرار نمی‌گرفت (مثلاً ماه ۹). مسلماً مدتی طول می‌کشید تا آزمودنی، پاسخی از خود نشان دهد. لوریا کشمکش درونی را با افزایش زمان واکنش، در ارتباط می‌دانست. او در این رابطه، تکنیکی به وجود آورد که به وسیله آن می‌شد هم پاسخ‌های حرکتی، هم پاسخ‌های ارادی و غیرارادی و نیز زمان واکنش را اندازه گرفت. این تحقیق حدود ۷ سال به طول انجامید و برخی از مسائل مربوط به انگیزش و کنترل ارادی را در چهارچوب جدیدی مطرح ساخت. از حوادث مهم زندگی لوریا، ملاقات و آشنایی او با ویگوتسکی<sup>۱</sup>، محقق، نوروپسیکولوژیست، روان‌شناس و نقاد ادبی مشهور است. آنچه ویگوتسکی را به خود مشغول کرده بود، کاوش در رابطه تکوینی، ساختاری و کارکردی زبان و اندیشه بود. لوریا نیز نخست به این عرصه از روان‌شناسی روی آورد و مخصوصاً به بررسی گفتار و نقش آن در سازمان بخشیدن به رفتار و نیز آسیب‌شناسی زبان‌پویشی (آفازیا) پرداخت و به تدریج کوشش خود را متوجه قلمرو پنهان و کارکرد و ساختار مغز و به‌طور کلی بررسی مبانی عصبی رفتار و فرایندهای عالی ذهنی (نوروپسیکولوژی) ساخت. اما نقش گفتار در نظم‌بندی فعالیت ذهنی و در فروپاشی‌های عصبی، هم‌چنان اهمیت خود را در آثار لوریا حفظ کرد.

ویگوتسکی، لوریا و لئون‌تی یف (Leontiev) را باید متعلق به یک جریان علمی دانست که خصوصیت بارز آن، قراردادن انسان در بستر اجتماعی - تاریخی است. موافق با آن «صُور عالی انعکاس که به شکل رفتارهای فعال، ارادی و آگاهانه متجلی می‌شوند، نتیجه کار مغز، آن چنان که در شرایط اجتماعی، خود را پدیدار می‌سازد، می‌باشد. نباید این صُور عالی انعکاس را جزء خصوصیت‌های ذاتی مغز به حساب آورد». لوریا در جای دیگر می‌نویسد: «فرایندهای ذهنی انسان باید به مثابه سیستم‌های کارکردی پیچیده‌ای که دارای ریشه‌ای اجتماعی - تاریخی هستند، درک شوند». از این رهگذر، محور عمده پژوهش‌های لوریا به عنوان

---

1- Vygotsky

نوروپسیکولوژیست، بررسی ساختار و سازمان‌بندی کارکردی مغز بود. او در زمینه تأثیر آسیب‌های مغزی در فعالیت‌های ذهنی و در رفتار، به مطالعات وسیعی دست زد که دستاوردهای آن نه تنها در روان‌شناسی کاربردی به نتایج علمی رهنمون شد، بلکه در خصوص رابطه ذهن و مغز نیز از اهمیت نظری به‌سزایی برخوردار بود.

نگرش سنتی «مورفوپسیکولوژی» مورد انتقاد لوریا قرار گرفت. او از یک سوی، نظریه جای‌گزینی یا منطقه‌بندی فعالیت‌های پیچیده ذهنی را به صورت «مراکز» ایستای نفی کرد و از سوی دیگر این نظریه را که گویا کارکردهای ذهنی، ناشی از عملکرد مغز به عنوان یک کل می‌باشد، قابل انتقاد می‌داند. لوریا معتقد است که فرایندهای عالی ذهنی، حاصل عملکرد مجموعه‌ای از واحدهای ساختاری به هم پیوسته و متشکل مرکزی و پیرامونی است. به نظر وی کرکس از سازمان‌بندی سیستم‌های کارکردی، تشکیل یافته است. این سیستم‌ها در جریان کنش متقابل مغز و محیط، ساخته و پرداخته می‌شوند و شالوده فعالیت‌های روانی را پی می‌ریزند. او می‌نویسد: «ما نقطه شروع و حرکت خود را بر مبنای مفهوم جای‌گزینی پویا و سیستماتیک کارکردها قرار دادیم که در اصل به وسیله پاولوف مطرح شد و بعد به وسیله ویگوتسکی توسعه پیدا کرد و در کارکردهای عالی ذهنی، کاربرد یافت. ما فرایندهای عالی مغز را به مثابه سیستم‌های کارکردی پیچیده‌ای می‌دانیم که به شیوه‌ای پویا جای‌گزینی پیدا می‌کنند». پیداست که با این نگرش، مطالعه اثر آسیب‌های مغز در رفتار و بازیافت حالت بهنجار، از محدوده مدل پزشکی صرف فراتر می‌رود. چه بسا ممکن است که بر اثر تجربه و آموزش، سیستم قشری (کارکردی) جدیدی - مخصوصاً در مراحل خاصی از رشد - سازمان یابد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، شرایط را برای بروز فعالیت‌های ذهنی خاصی فراهم آورد.

سندرم‌های عمده مربوط به نیم‌کره چپ قشر مخ از قبیل زبان‌پریشی، ادراک‌پریشی (آگنوزیا) و کنش‌پریشی (آپراکسیا) و نیز تجزیه و تحلیل نشانگان مربوط به ضایعات قطعه پیشانی، زمینه‌ای بود که لوریا سال‌ها در آن‌باره به تحقیق پرداخت. او در این‌باره دست به ابداع آزمون‌های عملی ساده و در عین حال بسیار خلاق و راه‌گشا زد که آن‌ها را در کنار معاینات عصبی بر بالین بیمار انجام می‌داد. این آزمون‌ها امروزه به صورت ابزار شناخته شده‌ای در ارزیابی نوروپسیکولوژیک درآمده‌اند. کتاب‌هایی مانند «کارکردهای عالی قشر مخ در

انسان» (۱۹۶۶)، «تجدید و بهبود کارکرد پس از ضربه مغزی» (۱۹۴۸) و «مغز انسان و فرایندهای روانی» (۱۹۶۶) نمایانگر واقعی این‌گونه مشاهدات و آزمایش‌ها هستند.

سهم لوریا در روان‌شناسی و عصب‌شناسی زبان، عمدتاً به طرح مسئله «گفتار درونی» که از جانب ویگوتسکی عنوان شده بود، مربوط می‌شود. لوریا با طرح این مسئله، از یک سوی راه را برای تبیین اثر نظم‌بخشی گفتار، هموار ساخت و از سوی دیگر بحث زبان‌پریشی (آفازیولوژی) را غنای بیش‌تری بخشید. مطالعات گسترده او درباره ضایعات مغزی در بخش‌های جراحی - در جریان حمله نیروهای آلمانی به «شوروی» در سال ۱۹۴۱ - وی را به این نتیجه رساند که زبان براساس فعالیت چند سیستم کارکردی وابسته به یکدیگر استوار است. هر کدام از این سیستم‌ها برحسب موقعیت قشری و پردازش زبان‌شناختی، در کنترل زبان نقش خاصی دارد. بدین ترتیب لوریا مسئله زبان‌پریشی را در چهارچوب پسیکوفیزیولوژیک تفسیر می‌کند. همین‌گرایش است که او را از دیگران متمایز می‌گرداند و بر اثر چنین برخوردی است که او به دسته‌بندی شش‌گانه زبان‌پریشی می‌رسد<sup>۱</sup>. اگر چه برخی معتقدند که این دسته‌بندی ممکن است نتواند تمامی جنبه‌های بالینی و تشریحی زبان‌پریشی را دربرگیرد، اما عده‌ای نیز آن را عملی‌ترین و جامع‌ترین تقسیم‌بندی موجود می‌دانند. در این باره کتاب‌هایی مانند «زبان‌پریشی تروماتیک» (۱۹۶۹)، «کارکردهای عالی قشر مخ در انسان» (۱۹۶۶) و مخصوصاً «مسائل اساسی در عصب‌شناسی زبان» (۱۹۷۶) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

از سوی دیگر، بررسی ارتباط گفتار و فرایندهای عالی ذهنی مانند توجه، تفکر، حافظه و عمل ارادی و به طور کلی آگاهی و شناخت، از جمله قلمروهایی است که لوریا را سخت‌درگیر ساخت. لوریا در چهارچوب نظام ویگوتسکیایی اعتقاد داشت که بدون منظورکردن نقش گفتار، نمی‌توان تبیینی درست از ساختار و کارکرد فعالیت‌های عالی ذهنی به دست داد. از نظر لوریا مخصوصاً نقش نظم‌بخشی گفتار، حایز اهمیت است. لوریا در بسیاری از آثار خود از این خصوصیت گفتار، سخن به میان آورده است. مخصوصاً کتاب «گفتار و رشد فرایندهای ذهنی در کودک» که با همکاری یودویچ نوشته شده است (۱۹۷۱)، نمایانگر توجه دقیق لوریا به این کارکرد گفتار است. در این اثر از یک جفت دوقلو

۱- لوریا ۶ شکل بالینی در زبان‌پریشی تشخیص داد: «زبان‌پریشی حسی، زبان‌پریشی Acoustico-mnestic، زبان‌پریشی حرکتی اوران (کینستتیک)، زبان‌پریشی حرکتی و ابران (کینتیک)، زبان‌پریشی معنایی و زبان‌پریشی پویایی (اختلال در پویایی زبان).

که دچار عقب‌ماندگی در تکلم بودند، سخن می‌رود. این عقب‌ماندگی باعث شده بود که سایر زمینه‌های ذهنی و عملکردی آنان - مانند بازی‌ها، دستکاری اشیاء، نقاشی، تنظیم روابط و غیره - نیز رشد لازم را پیدا نکنند. لوریا نشان می‌دهد که با رُشد فرایند گفتار در محیط سالم، این نوع عقب‌ماندگی‌ها تا حدی جبران می‌شوند یعنی بازی‌ها هدف‌مندتر و کلاً فعالیت‌ها سنجیده‌تر و سازمان‌دارتر می‌گردند. لوریا نقش زبان را تنها در محدوده ارتباط و مراوده اجتماعی نمی‌نگرد، بلکه آن را عاملی مهم در نظم‌بخشی رفتار می‌داند. او معتقد است که در جریان رشد، تکلم که وسیله اصلی ارتباط است به تدریج وسیله‌ای برای تجزیه و ترکیب عمیق‌تر واقعیت می‌گردد و مهم‌تر از آن، در مقام تنظیم‌کننده عالی رفتار، نقش ایفا می‌کند. لوریا عقب‌ماندگی ذهنی را نیز در ارتباط با نقش گفتار مورد مطالعه قرار داد. وی فعالیت الکتریکی مغز، بازتاب‌های جهت‌یابی، شکل‌گیری بازتاب‌های مشروط و هم‌خوانی کلمات را در کودکان عقب‌مانده ذهنی بررسی کرد. کتاب «کودک عقب‌مانده ذهنی» (۱۹۶۳) وی، انعکاسی از این نوع کوشش‌ها به شمار می‌رود.

موردپژوهی (Case study) از جمله زمینه‌های دیگر کار لوریاست. مثلاً تحقیق جالب او درباره «مردی با حافظه عجیب» (۱۹۷۵) در این ارتباط قابل ذکر است. این بررسی از سال‌های ۱۹۲۰ آغاز شد و پی‌گیری آن حدود سی سال به طول انجامید. شاره‌شوسکی، روزنامه‌نگار، قادر بود جدول‌های مفصل اعداد، فرمول‌های پیچیده و مطالب فراوان و متنوعی را با زحمت بسیار کم به خاطر بسپارد و پس از چندین سال آن‌ها را به راحتی یادآوری نماید. او حتی می‌توانست چندین صفحه مطلب را به زبانی که نمی‌دانست به یاد بسپارد. اما از حفظ کردن یک قطعه نظم و نثر معمولی عاجز بود، چراکه مسائل هیجانی و عاطفی مربوط به کلام، ذهنش را برآشفته می‌ساخت. در عین حال، دست‌یافتن به مفاهیم مجرد و گسیختن از موارد جزئی، برای او کاری بس دشوار بود. یافته‌هایی که از مطالعه حافظه شاره‌شوسکی عاید لوریا شد، دانش مربوط به روان‌شناسی حافظه را غنا بخشید.

نمونه دیگر بررسی او درباره یک مورد صدمه مغزی است که در کتابی تحت عنوان «مردی با جهان فروپاشیده و چندپاره» (۱۹۷۲) تنظیم شده است. مغز سربازی بر اثر اصابت گلوله آسیب می‌بیند و به دنبال این ضایعه مغزی، اشکالاتی در بینایی، حافظه، تکلم، خواندن و نوشتن در این سرباز پدید می‌آید. او می‌بایست مثل کودکی خردسال همه چیز را از آغاز فراگیرد. این سرباز به یاری لوریا

جهان‌شناختی جدیدی برای خود ساخت - اگرچه محدودیت‌هایی نیز هم‌چنان باقی ماند. این کتاب از یک موردپژوهی ساده فراتر می‌رود و نمایان‌گر دقت و شکیبایی یک روان‌شناس در کندوکاو مسائل ذهنی یک بیمار و علاقه‌مندی به ظرافت‌های بالینی است.

پژوهش لوریا درباره‌ی ارتباط سازوکارهای شناختی انسان با شرایط اجتماعی - اقتصادی نیز عرصه‌ی دیگری از روان‌شناسی "شوروی" را منعکس می‌سازد. این پژوهش که طی سال‌های ۳۲ و ۱۹۳۱ در جمهوری‌های ازبکستان و قرقیزستان "شوروی" انجام پذیرفته، اهمیت و نقش روان‌شناسی و مشاهده‌ی رفتاری را در فرایند فرهنگ‌پذیری، آشکار می‌سازد. هدف آن بود که تأثیر عوامل فرهنگی و آموزشی در فعالیت شناختی مردم آن خطه بررسی شود. گزارش کوتاهی از این تحقیق، به شکل کتابی تحت عنوان «رشد شناخت: مبانی فرهنگی و اجتماعی آن» (۱۹۷۶) بعدها منتشر شد.

\*\*\*

توانایی شگفت‌انگیز لوریا در تجزیه و تحلیل داده‌ها و تنظیم و فرمول‌بندی استنتاج‌ها و دریافت‌ها و اطلاعات گسترده‌ی او در مباحث گوناگون نوروفیزیولوژی، نوروپسیکولوژی و روان‌شناسی و هم‌چنین ایمان او به آینده‌ی بشریت، وی را در عداد چهره‌های ماندگار تاریخ علم قرار داده است.

**جروم برونر (J.S. Bruner)** روان‌شناس آمریکایی در پیش‌گفتاری که بر کتاب «مردی با حافظه‌ی عجیب» لوریا نگاشته، می‌نویسد: «در این پیش‌گفتار نمی‌توانم از تجربه‌ی شخصی که با لوریا داشتم، سخن به میان نیاورم. من جزء کسانی هستم که این سعادت نصیب شد که با پروفسور لوریا در بیمارستان بوردن‌کو کار کنم. این تجربه را هرگز فراموش نخواهم کرد. توانایی شگرف او در کشف و در روشن‌ساختن اطلاعات لازم به کمک پرسش‌های هوش‌مندانه و به کارگرفتن روش‌های نوین و مبتکرانه، واقعاً تحسین‌برانگیز است. آن‌چه خصلت بارز اکثر آثار لوریا را تشکیل می‌دهد، توانایی او در ترکیب و تلفیق خرد و منطق بالینی یک پزشک ماهر، با فراست و موشکافی نظری یک روان‌شناس علمی است.»

کم‌تر روان‌شناس "شوروی" است که در «غرب» به اندازه‌ی لوریا شناخته شده باشد. شهرت لوریا از زمانی آغاز شد که او همراه با ویگوتسکی، استاد و همکار خود، در کنگره بین‌المللی روان‌شناسی که در سال ۱۹۲۹ در نیویورک (آمریکا) برگزار شد، شرکت جست و مقاله‌ای ارائه داد. از سال ۱۹۳۲ به بعد است که ترجمه

پی‌گیر آثار او به زبان انگلیسی آغاز می‌شود. ترجمه و نشر آثار لوریا در آمریکا باعث شد که بسیاری از روان‌شناسان با اندیشه‌ها و کارهای او آشنا شوند و در سطوح مختلف با وی ارتباط علمی و حرفه‌ای برقرار سازند. او خود نیز سعی کرد که افکار خود را با رشد روان‌شناسی در خارج از "شوروی" تا حد امکان، هماهنگ گرداند. ترجمه آثار روان‌شناختی خارج از "شوروی" را مورد حمایت و تشویق قرار می‌داد و در نوشته‌های خود مرتب به این قبیل آثار استناد می‌جست. لوریا در کنار فعالیت‌های علمی مداوم و پی‌گیر خود، در جهت رشد روان‌شناسی در سطح جهانی نیز اقدامات مؤثری به عمل آورد.

آنچه سراسر دوره‌های مختلف علمی لوریا را به هم پیوند می‌دهد، شوق فراوان او به مطالعه مسائلی بود که امروزه از مهم‌ترین و جدی‌ترین مسائل روان‌شناسی به شمار می‌آیند. در واقع، می‌توان در زیربنای طیف وسیع علاقه‌مندی‌های نظری، پژوهشی و بالینی لوریا به یک هدف واحدی دست یافت و آن تلاش و کوشش پی‌گیر و مستمر برای دستیابی به نظریه جامعی درباره کارکردهای عالی روانی و ارتباط آن‌ها با هم است. او سعی کرد تا شالوده قشری فعالیت روانی را دریابد.

لوریا را باید از پیشگامان پژوهش‌های نوروپسیکولوژیک بدانیم. وی تأثیر انکارناپذیری در رشد نوروپسیکولوژی به عنوان یک دانش تجربی و یک رشته بالینی و کاربردها داشت. دیدگاه او درباره بسیاری از مسائل مربوط به زبان، تفکر و آگاهی، دیدگاهی الهام‌بخش و گسترش‌یابنده است. به همین دلیل جای تعجب نیست که بسیاری از روان‌شناسان امروزی دنیا با وجود آن که ممکن است جنبه‌هایی از نظرگاه‌های او را قابل انتقاد بدانند، یاد او را پاس می‌دارند و به افکارش ارجح می‌نهند.

لوریا تا سال‌های آخر عمر، استاد روان‌شناسی و رییس دپارتمان نوروپسیکولوژی در دانشگاه مسکو، سردبیر مجله «مسائل روان‌شناسی» و مجله «نوروپسیکولوژی کرتکس» و هم‌چنین سرپرست بخش پژوهشی - تشخیصی مؤسسه جراحی اعصاب بوردن‌کو بود. او عضو خارجی و عضو افتخاری بسیاری از آکادمی‌ها و انجمن‌های علمی اروپا و آمریکا بود و جوایز و نشان‌های بسیاری دریافت کرد. لوریا بیش از ۲۰۰ اثر علمی منتشر ساخت و در اوت سال ۱۹۷۷ درگذشت. بانقل عبارتی از او، این قسمت را به پایان می‌رسانیم: «انسان‌ها می‌آیند و می‌روند. آنچه باقی می‌ماند مایه‌های خلاق حوادث عظیم تاریخی و افکار و اعمال پراهمیت انسانی است».

## درباره کتاب و ترجمه

این کتاب آخرین اثر لوریاست. فعالیت علمی درازمدت و پراهمیت لوریا درباره روان‌شناسی زبان و ارتباط زبان با آگاهی، در این کتاب خلاصه شده است و شاید بدین اعتبار، بهترین اثری باشد که از پژوهش‌های نظری و تجربی وی در دست داریم.

آنچه در «زبان و شناخت» مورد تأکید قرار می‌گیرد سازوکارهای نورویسیکولوژیک آگاهی است. لوریا در این کتاب سعی می‌کند آرا و افکار خود را در فلسفه و روان‌شناسی «شوروی» و غرب، ریشه‌یابی کند و تجزیه و تحلیلی بینش‌مندانه از مهم‌ترین مکتب روان‌شناسی «شوروی»، یعنی مکتب معلم و استاد خود ویگوتسکی به دست بدهد و جنبه‌هایی از پژوهش‌های خود را که در جهت رشد و گسترش چهارچوب نظری ویگوتسکی انجام داد، برشمارد.

لوریا برای آن که بتواند ارتباط بین زبان و آگاهی را دریابد درصدد برآمد در زمینه‌های مختلفی به تحقیق پردازد، یافته‌ها را با هم تلفیق نماید و به سمت نظام نظری و اسلوبی واحدی تقریب جوید.

این کتاب به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روان‌شناسی معاصر به شمار می‌رود و برای نخستین بار خوانندگان را متوجه می‌سازد که تمامی جنبه‌های فکری و پژوهشی لوریا در حقیقت از یک رشته مسائل نظری برخاسته است.

خواندن این کتاب هم برای روان‌شناسان، متخصصان مغز و اعصاب، متخصصان زبان‌پریشی و درمان‌گران گفتاری که با آثار لوریا آشنایی دارند، سودمند است و هم برای آن دسته از خوانندگان که هنوز فرصت آشنایی با این روان‌شناس را پیدا نکرده‌اند. دسته نخست، آن را یک بررسی جامع و همه‌جانبه‌ای از رویکرد کلی و فلسفی لوریا نسبت به زبان و شناخت درخواهند یافت. دسته دوم آن را به عنوان مقدمه‌ای لازم برای مطالعه سایر آثار و افکار لوریا مفید تشخیص خواهند داد.

\*\*\*

اما درباره ضرورت ترجمه این کتاب به زبان فارسی اشاره به این نکته لازم است که امروزه شناخت، جزء مباحث و شاخه‌های بالنده و پراهمیت روان‌شناسی است. طرح مسئله شناخت - با مفاهیم و با زمینه‌های جدید - از سال‌های ۱۹۷۰ در روان‌شناسی غرب مطرح شد و به سرعت پیش رفت. به طوری که امروزه کم‌تر



رشته روان‌شناسی است که از «انقلاب» به اصطلاح «شناختی»، متأثر نشده باشد. شیوه برخورد لوریا با شناخت و ارتباط آن با زبان، ویژگی‌هایی دارد که آن را به صورت یک رویکرد و یک نگرش علمی و کاربردی درآورده است. یکی از جدی‌ترین محمل‌های بررسی شناخت و آگاهی در این شیوه برخورد، مطالعه اختلال‌های گفتاری و ناهنجاری‌های ذهنی و رفتاری در ارتباط با آسیب‌های مغزی است: یعنی موضوع شاخه‌ای از روان‌شناسی که در کشورهایمانند «شوروی»، همان روان‌شناسی بالینی است. آشنایی با این نوع طرز کار و عملکرد شاید بتواند در شکل‌گیری رویکرد سازنده ما با فرایندهای ذهنی و به‌طور کلی رفتار، مؤثر افتد و دامنه جدیدی از امکانات و کارایی را در دسترس روان‌شناسان کاربردی - مخصوصاً روان‌شناسان بالینی - قرار دهد. باید بپذیریم که رشد روان‌شناسی کاربردی در ایران بسیار محدود بوده است. این محدودیت از یک سوی ناشی از ناهمخوانی بین مطالب نظری و ضرورت‌های عملی است که در نهایت به مشکلات برنامه‌ریزی آموزشی روان‌شناسی مربوط می‌شود و از سوی دیگر برخاسته از دور ماندن سیستم بهداشت روانی ما از پیشرفت‌ها و اطلاعات جدید علمی است. طبیعی است که اگر تلاشی در جهت رفع این محدودیت‌ها صورت نگیرد، روان‌شناسی به یک رشته سترون و راکدی تبدیل خواهد شد و قادر نخواهد بود جواب‌گوی نیازهای مبرم جامعه امروز ما باشد. ما امروزه نیاز داریم که وسایل و ابزارهای مناسبی برای ارزیابی رفتار و کارکردهای ذهنی، به منظور ایجاد تغییر در آن‌ها در اختیار داشته باشیم و در عین حال مجهز به دیدگاهی باشیم که بتواند یافته‌های بالینی و پژوهشی را به صورت یک سیستم فعال و سازمان‌دار تلفیق کند و با طرح فرضیه‌های جدید، واقعیت‌های بالینی، تجربی و تک‌موردی را به مفاهیم علمی پیوند دهد.

برخورد لوریا با مسائل روان‌شناختی به گونه‌ای است که به آفرینش «روش و تکنیک» منجر می‌شود. برخی از این روش‌ها و تکنیک‌ها بسیار ساده‌اند و از آن‌جا که به دنبال درک ضرورت‌ها و با برخورداری از زیربنای فکری منسجمی پدیدار گشته‌اند، قادراند گره بسیاری از معضلات ارزیابی روانی و درمانی را بگشایند و گاه تبیین تکامل‌پذیری از سیستم رفتاری در ارتباط با کارکرد مغز به دست بدهند. مهم این است که مسئله به درستی طرح شود و با نیروی خستگی‌ناپذیری پی‌گیری گردد. این کم‌ترین درسی است که می‌توان از شیوه برخورد لوریا در این کتاب فراگرفت.

\*\*\*

در ترجمه این اثر از راهنمایی‌ها و کمک‌های ارزنده‌ای برخوردار بوده‌ام. پیش از همه خود را مدیون استاد محترم آقای دکتر محمود عبادیان می‌دانم. ایشان نسخه اول دست‌نوشته را با کمال دقت خواندند، با متن انگلیسی مقابله کردند و نکات فراوانی را متذکر شدند. نکات اصلاحی ایشان مخصوصاً در زمینه اصطلاحات لاتین، جملات آلمانی، واژه‌ها و مفاهیم فلسفی، تلفظ اسامی و حرف‌نویسی روسی بسیار مغتنم بود. هم‌چنین از استاد محترم آقای دکتر محمدرضا باطنی که در زمینه اصطلاحات زبان‌شناسی کمک بسیار مؤثری کردند، سپاسگزارم و نیز باید از راهنمایی‌های دوست ارجمند، آقای دکتر حسن عشایری درباره اصطلاحات و مفاهیم عصب‌شناختی و نظرات اصلاحی دوست گران‌قدر، آقای غلامحسین صدری افشار درباره متن ترجمه یاد کنم و از ایشان صمیمانه تشکر نمایم و بالاخره از خانم اکرم خمسه همسر و همکار عزیزم که از هیچ نوع تلاشی برای آماده‌شدن این ترجمه دریغ نکرده‌اند و در تمامی مراحل کار، یار و یاورم بوده‌اند، سپاسگزارم. با وجود برخورداری از این همه امکانات و رهنمودها، این کار بدون عیب و اشکال نیست. مخصوصاً در این باره – که باید آن را کم و بیش به عنوان نخستین کوشش در نوع خود تلقی کرد – احتمال خطا فراوان است. مسئولیت خطاها و نارسایی‌ها با مترجم است که تلاش می‌کند به یاری خوانندگان، در چاپ‌های بعدی آن‌ها را برطرف سازد.

در پایان یادآوری می‌کنم که ترجمه، از متن انگلیسی کتاب لوریا – که در اصل به زبان روسی نوشته شده است – از انتشارات جان‌وایلی (۱۹۸۲) صورت گرفته است و در ترجمه اصطلاح‌ها عمدتاً از معادل‌های وضع شده از جانب دکتر علی‌اکبر سیاسی، دکتر پرهیز ناتل خانلری، شادروان دکتر محمود صناعی، شادروان دکتر غلامحسین مصاحب، استاد احمد آرام، دکتر امیرحسین آریان‌پور، دکتر محمدرضا باطنی و دکتر محمدنقی براهنی استفاده شده است. گاهی نیز معادل‌هایی از جانب خود مترجم وضع شده‌اند که هیچ‌اصراراً برای کاربرد آن‌ها وجود ندارد. اما تا زمانی که معادل‌های رساتر و بهتری وضع نگشته‌اند، ناگزیر باید مورد استفاده قرار گیرند.

ح.ق

تهران، اسفند ماه ۱۳۶۷

## منابع

- Cole, M. & Maltzman, I (Eds.) *A handbook of contemporary Soviet psychology*. New York: Basic Books, 1969.
- Eysenck, H. J. et al, *Encyclopedia of psychology*. Fontana Collins, 1975.
- Foskett, P.J. Books reviews (The making of mind: a personal account of Soviet psychology, by A. R. Luria). *Educational Research*, 1981, vol. 23, 2: 152-153.
- Lecours, A. R. et al. *Aphasiology*. London: Bailière Tindall, 1983.
- Luria, A. R. *The mentally retarded child*. New York: Pergamon Press, 1963.
- Luria, A. R. *Restoration of function after brain injury*. New York: Pergamon Press, 1963.
- Luria, A. R. *Higher cortical functions in man*. New York: Basic Books, 1966.
- Luria, A. R. *The human brain and psychological processes*. New York: Harper & Row, 1966.
- Luria, A. R. Speech development and formation of mental processes. In M. Cole & I. Maltzman (Eds.) *A handbook of contemporary Soviet psychology*. New York: Basic Books, 1969.
- Luria, A. R. *Traumatic aphasia: its syndromes, psychology and treatment*. The Hague: Mouton, 1970.
- Luria, A. R. *The working brain*. New York: Basic Books, 1973.
- Luria, A. R. *The man with a shattered world*. Penguin Books, 1975.
- Luria, A. R. *The mind of a mnemonist*. Penguin Books, 1975.
- Luria, A. R. *Cognitive development*. Cambridge: Harvard University Press, 1976.
- Luria, A. R. *Basic problems of neurolinguistics*. The Hague: Mouton, 1976.
- Luria, A. R. *The Neuropsychology of memory*. Washington: Winston, 1976.
- Luria, A. R. *The making of mind*. Cambridge: Harvard University Press, 1979.

- Luria, A. R. & Majovski, L. V. Basic approaches used in American and Soviet clinical neuropsychology. *American Psychologist*, 1977, Nov. 959-968.
- Luria, A. R. & Yudovich, F. Ia. *Speech and the development of mental processes in the child*. Penguin, 1971.
- Marx, M. H. & Hillix, W. A. *Systems and theories in psychology*. New York: McGraw-Hill, 1973.
- Mecacci, L. *Brain and history: The relationship between neurophysiology and psychology in Soviet research*. New York: Brunner/ Mazel, 1979.
- Newcombe, F. Books reviews (Language and Cognition. By A. R. Luria. Chichester: John Wiley, 1982). *British J. Psychiat.* 1983. 142: 106-107.
- Sahakian, W.S. *History and Systems of psychology*. New York: John Wiley & Sons, 1975.
- Wolman, B. B. *Dictionary of behavioral Sciences*. New York: Van Nostrand Reinhold, 1973.

## مقدمه مترجم انگلیسی



الکساندر رومانوویچ لوریا (Alexander Romanovich Luria) نیز همانند بسیاری از نوآوران علمی، واضح دیدگاهی است که نمی‌توان آن را به سادگی در چهارچوب سنتی واحد و یا حتی در چهارچوب رشته‌ای واحد گنجانند. اگر بخواهیم با معیارهای امروزی بسنجیم باید بگوییم که علایق علمی وی، طیف فوق‌العاده وسیعی داشته است. به همین دلیل، خوانندگان غربی غالباً به این نتیجه رسیدند که تمرکز نظری یک‌پارچه‌ای در کارهای لوریا وجود ندارد و او به تناسب گرایش‌های مختلفی که در دوره‌های متفاوت زندگی علمی درازمدت خویش پیدا می‌کرد، مسائل گوناگونی را مورد تحقیق قرار می‌داد. اما لوریا در سرگذشت‌نگاری اخیر از خود (۱۹۷۹) اثر بسیار مهمی در زدودن این تصوّر برجای گذاشت. با مراجعه به این کتاب جای شکی باقی نمی‌ماند که لوریا از زمان نخستین تا آخرین تحقیق خویش، یعنی از سال‌های ۱۹۲۰ تا هنگام مرگش، نظرات خود را تغییر و گسترش می‌داد، ولی در هر صورت یک عدّه زمینه‌های کلی وجود داشته که همواره رهنمای تفکر او بوده‌اند. کافی بود این زمینه‌ها در رویکرد علمی وی ادغام شوند تا سمت‌گیری آن را در سال‌ها و یا دهه‌های بعدی مشخص سازند.

کتاب حاضر، در واقع، همه جنبه‌های تفکر لوریا را درباره روان‌شناسی و زبان، به اختصار دربر می‌گیرد. این کتاب براساس سخن‌رانی‌هایی تدوین شده که لوریا به منظور آشناساختن دانشجویان دانشگاه با پاره‌ای از مسائل کلی در روان‌شناسی معاصر ایراد کرده است. همین امر موجب شده است که چنین طیف بسیار گسترده‌ای از موضوع‌های قابل بحث را در خود جای دهد. اگرچه تک‌تک مباحث مربوط به رویکرد لوریا در سایر آثار وی مورد بررسی قرار گرفته است (و گاه مفصل‌تر از آنچه در این جا آمده است) اما این کتاب را باید از جمله فرصت‌های مغتنمی دانست که لوریا در آن سعی کرده است تصویری کلی از عوامل مؤثر در جهت‌بخشی جریان تفکر خود به دست دهد. در سرگذشت‌نگاری لوریا بسیاری از جریان‌هایی که در رشد فکری و شخصی وی مؤثر بوده‌اند، ذکر شده است. در این جا از آن‌ها سخن نخواهیم گفت، بلکه چند زمینه عمده را که در سمت‌گیری

رویکرد پژوهشی او در اواخر زندگی مؤثر بوده‌اند، مشخص خواهیم ساخت. این زمینه‌ها گاه به صراحت در کتاب، مورد بحث و نظر قرار گرفته‌اند و گاهی نیز به صورت تلویحی به آن‌ها اشاره شده است. در هر صورت نباید تصور کرد که تأثیر این زمینه‌ها در رویکرد پژوهشی و بالینی لوریا، در موارد تلویحی کم‌تر از موارد تصریحی است.

منطقی است که در سمت‌گیری تفکر دوران آخر حیات علمی لوریا، سه عامل عمده، تشخیص داده شود. نخست تأثیر **ویگوتسکی** (۱۹۳۴-۱۸۹۶) را می‌توان برشمرد. تأثیر ویگوتسکی بر رویکرد لوریا چنان عمیق بود که بدون توجه بدین نکته، درک درست سمت‌گیری‌های کلی بحث وی، حتی در آثاری که لوریا بسیار کم از ویگوتسکی سخن می‌گوید و یا اصلاً از او نامی نمی‌برد، دشوار است. دومین عامل مؤثر در رویکرد لوریا، به زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی مربوط می‌شود. خواهیم دید که در این ارتباط آرای **یاکوبسون** و سایر زبان‌شناسان تأثیر مهمی در شیوه طرح مسائل پژوهشی مربوط به رشد زبان و شناخت زبان‌پریشی (آفازیولوژی) از جانب لوریا، داشته است. سومین عامل عمده، نقش مبانی فیزیولوژیک فعالیت روانی انسان است که در تحقیقات دوران قبل و بعد از انقلاب، رشد و تکامل پیدا کرده بود. در این کتاب مرتب به چهره‌هایی مانند **پاولوف** و **برنشتاین** اشاره رفته است. مبانی تبیین لوریا از کارکرد قشر مخ و ارتباط آن با فعالیت روانی در انسان براساس نظریه «فعالیت عالی عصبی» استوار است. این نظریه را - که به وسیله پاولوف و برنشتاین شکل گرفت - نباید صرفاً به عنوان شکلی از رفتارگرایی به حساب آورد.

## الف - ویگوتسکی

اگرچه این عوامل هر سه در تحلیل لوریا از زبان و شناخت مؤثر افتادند، اما می‌توان برحسب اهمیت بنیادی آن‌ها در رویکرد وی، در مراتب تا حدی مختلف قرارشان داد. این رتبه‌بندی، نموداری از سرگذشت فکری لوریا است: بدین معنا که همکاری اولیه او با ویگوتسکی، اثر عمیقی در تکامل تفکر لوریا در سال‌های بعدی داشته است. بنابراین جای شکی باقی نمی‌ماند که اثری که ویگوتسکی بر لوریا گذاشت در حکم **چارچوبی** برای تفسیر مفاهیم زبان‌شناختی و نوروفیزیولوژیک عمل کرد. ویگوتسکی خود در صدد بود که جا و مقام پدیده‌های زبان‌شناختی و نوروفیزیولوژیک را در تبیین شناخت انسان باز یابد. تقریباً همه جنبه‌های رویکرد